

امنیت قضائی

نقلم آقای میرزا حسین خان مهیمن

رئیس محکمه حقوق

در وزارت خارجه

آقای مدیر - در شماره سیّم صفحه ۱۹۱ مجله آینده تحت عنوان (ایران و معاهدات کابیتولاسیون) مقاله‌ای درج شده بود و نویسنده آن حفظ و استقرار اعتبارات ملّی ما را منوط به الغاء امتیازات دول خارجه و بآئینجه تغییر متّی پاردهای از معاهدات فعلی ما دانسته ضمناً از لحاظ سیاست خارجی و سیاست داخلی تأمین قضائی را چاره منحصر بفرد زانی نیز باین مقصود تعیین نموده است .

اجازه می خواهم این نظریه را که فعلاً از لحاظ سیاست داخلی نهایت درجه اهمیت را برای ما جانز است فی الجمله تحت مطالعه و مذاقه قرر دهم . قطع نظر از اهمیت قوه قضائیه که یکی از قوای ثلاثه مملکتی است و در اصل ۲۷ قانون اساسی بآن اشاره شده اصولاً در هر مملکتی قوه قضائیه دارای امتیازات و مزایای مخصوصی می باشد . قانون اساسی مانیز این قاعده عمومی را پیروی کرده اقتدارات متمازه بقوه قضائیه اعطا کرده است .

اصولاً پیشرفت هر منظوری در دنیا وسایلی دارد که نا آنها جمع و فراهم نشود امید کامیابی در آن ممتنع است . باید قبل از همه چیز آن چیزی را که موجبات اوضاع حاضره را فراهم کرده است مرتفع نمود . باینکه امید پیشرفت از لحاظ سیاست خارجی نیز کاملاً سهل و آسان بشود - برجسته ترین وظیفه دولت در این خصوص بسط و توسعه تشکیلات

قضائي در تمام مملكت است. دول روبا مروز در يران فقط در تحت يك عنوان ميخوهند امتيازات مخصوصي اكاكي لسابق دارا باشند و آن عبارت از دعوي « عدم احقاق حق و فصل خصومت از روي عدل و و انصاف ». است هرگاه از اين حث تسويشي نداشته باشد شايد چندان اصراري در ابقاء و ادامه وضع فعلي نخواهند داشت و با بسط قوه قضائيه اين ادعاي آنها مرتفع گشته حقوق خصوصي افراد اعتم از داخله و خارجه و همچنين حقوق عمومي و حق حاكميت ملّي ما تا مبن و مصون خواهد شد.

مطابق اصل نهم قانون اساسي ما « افراد مردم

غرض از تا مبن از حيث جان و مال و مسكن و شرف محفوظ و قصاي چيست
مصون از هر تعرض هستند. متعرض احدي نمي

توان شد مگر بحكم و ترديكيه قوانين مملكت

معين مي نمايد ». و همچنين بر طبق اصل دهم « غراز مواقع ارتكاب جنحه و جبايات و تقصيرات عمده هيچكس را نميتوان فوراً دستگير نمود مگر بحكم كتبي رئيس محكمه عدليه بر طبق قانون و در آ صورت نيز بايد گناه مقصر فوراً نامنها در طرف بيست و چهار ساعت به او اعلام شود ». و اصل همداد و يك متمم قانون اساسي « ديوان عدالت عظمي و محاكم عدليه را ملجأ رسمي اظلمات عمومي » قرار ميدهد و براي ايكيه حكم عدليه نسبت بتمام افراد بتساوي اجرا شود اصل هشتم متمم قانون مزبور ، اهالي مملك را در مقابل قانون متساوي الحقوق مياند. اصل هفتاد و سه و هفتاد و چهار از تشكيل محاكم غير قنوني و ليه اعمال نفوذ شخصي و با ساير وسايل نامشروع جلوگيري كرده اس .

بنا بر اين قانون اساسي ما براي اينكيه در جامعه ايراني مصونيت جاني و مالي و مسكني و شرفي در حدود قانون محرز و مستحكم شود عدليه را براي اهالي مملكت بالتساوي و بدون رعایت امتيازات طبقاتي

ملجاً رسمی تظلمات عمومی قرار داده و ذبحق باید به محاکمیکه قانوناً تشکیل شده اند مراجعه و احقاق حق خود را تقاضا نماید ولی برای اینکه مطابق اصول فوق الذکر امنیت قضائی کاملی در مملکت حکمفرما بشود باید سایر شروط مربوطه باین امر را نیز از قبیل مصونیت قاضی، مسؤولیت قاضی، انتخاب شخص قاضی و غیره رعایت و محترم شماریم.

مصونیت قاضی - از آنجائیکه فصل خصومت و تمیز حق از باطل و بالاخره جلوگیری از تعدیات اشخاصی که مستلزم ابقاء امنیت از لحاظ جان و مال و مسکن و شرف جامعه است یکی از وظایف عمده قضاوت است متعديان بمحقوق بشریت هر لحظه برای سرنگون کردن بساط عدل و انصاف و ترویج مبانی ضد اخلاقی در صدد رخنه باین اساس بوده و از اعمال نفوذ و افترا و شکایات بی موضوع برای تغییر و انتخاب قضات سوء خود داری نمی نمایند لذا باید مقام قاضی متزلزل نبوده و مصون از هر تعرض غیر قانونی باشد، قانون اساسی ما برای حفظ مقام قاضی و جلوگیری از اعمال نفوذ انتخاب قضات سوء مصونیت شخص قاضی را در اصل هشتاد و دو و هشتاد و سه تصریح کرده و این طور دستور میدهد:

« اصل هشتاد دو: هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید » اصل هشتاد و سه: « تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نیست مگر برضای خود او » علیهذا با اجرای این دو اصل هیچ قاضی را نمیتوان بدون ثبوت تقصیر و به صرف افترا و تهمت از شغل خود معزول و حتی بدون رضایت خودش نمیتوان او را تبدیل مأموریت داد. حال باید دید که آیا این دو اصل که منشأ احقاق حق و پشتیبان قضات است برای حفظ حقوق جامعه در محاکم ما رعایت میشود یا نه؟

جواب این سؤال را تکرارنده به استنباطات شخصی قارئین محترم واگذار مینماید.

انتخاب شخص قاضی - فصل خصوصت که مستلزم حفظ حقوق
 خصوصی و عمومی است امری است بس مشکل و قاضی مکلف است که
 حق را از باطل مطابق قانون و عدالت تمیز دهد. قاضی در آن واحد هم
 حقوق خصوصی را محفوظ می‌کند و هم حق عمومی را و انحراف از آن
 مستلزم تضییع دو حق خواهد بود. پس قاضی دارای وظیفه بس مهم و
 سنگینی است که فی الجمله تسامح در انتخاب آن حقوق عمومی و خصوصی
 و حاکمیت ملی ما را در مخاطره می‌اندازد، قاضی باید واجد اوصاف و
 شرایط قضاوت و واقف بمقتضیات و علوم قضاوت شرعی و عرفی باشد.
 فعلاً برای توسعه بساط عدل ناگزیریم قضائیکه واجد شرایط معینۀ قانونی
 باشند، تربیت کنیم تا اینکه بوسیله اعزام آنها به نقاط مختلفه بساط
 عدالت را در تمام نقاط مملکت گسترده حقوق افراد جامعه را مطابق مقررات
 قانون اساسی حفظ و تأمین نمائیم لذا باید در توسعه مؤسساتیکه بتواند
 چنین اشخاصی را برای ما تهیه کند کوشش نموده آن مؤسسات را با تمام
 وسایل و قوای مادی و معنوی تقویت کنیم و تا دولت در تهیه قضات
 فاضل و دانا قدمهای سریع بوسیله مدارس حقوق بر نداشته پیشرفت ما
 در این راه مشکل است.

مسئولیت قاضی - نظر بامتیازات مخصوصیکه قانون اساسی ما به
 قضات عطا کرده ممکن است از این حسن ظن قانون قضات سوء استفاده
 کرده در هر موقع به میل و رضای خود در روی منافع شخصی و یا به
 میل اشخاص یا نفوذ احکام منافی عدل و قانون صادر و یا یک رویه
 مستبدانه قوه قضائیه را فلج ساخته و مملکت را به مخاطرات عظیمه که
 مستلزم تضییع حقوق خصوصی و عمومی است سوق داده و علی رغم نظریه
 قانون گذار در ایجاد اصل مصونیت قضات نتیجه سوء بخشد این است
 که قانون اساسی ما برای جلوگیری از این مضرات در اصل هفتاد و هشت
 تصریح میکند:

« احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده باشد » پس با این اصل قاضی نمیتواند بدخواه خود حکمی صادر کند که مدلل و موجه نبوده و با موارد قانونیه تطبیق نشود.

بر طبق ماده سوم اصول تشکیلات عدلیه متحاکمین میتوانند هر وقت شکایتی از قاضی داشته باشند به اداره امور عدلیه تظلم نمایند و همچنین بر طبق ماده نهم از قانون مزبور هر يك از مأمورین که از وظایف خود قصور نمایند در محضر مجلس مشاوره عالی به محاکمه جلب خواهند شد و بمناسبت تقصیر مورد ملامت یا تکذیب یا عزل واقع خواهند شد. ماده صد و هفتاد و نه اصول تشکیلات الی ماده صد و نود و شش مسؤلیت حکام و صاحبمنصبان عدلیه را در صورت تخلف از حدود قانونیه و با در صورت مسامحه از انجام وظایف مربوطه اعلام و محاکمه آنها را به مجلس رسیدگی اداری یا مجلس رسیدگی عالی و مجلس فوق العاده که بنا بر پیشنهاد وزیر عدلیه بر حسب شکایت اشخاص و یا شکایت محکمه و یا بنا بر حکم محکمه صلاحیت دار که حاکم مرتکب جنحه و جنایت شده تشکیل و به ترتیبیکه در مواد مزبوره ذکر شده است رسیدگی می نماید.

موجب ماده صد و پنجاه و هشت از اصول تشکیلات حکام و صاحبمنصبان عدلیه بواسطه ارتکاب عملیکه بر خلاف شرف آنها باشد و یا دلالت بر ارتشاء و عدم درستی و فساد اخلاق نماید و یا اینکه اعمال و افعالشان عامداً مغایر قانون باشد بعد از رسیدگی در مجلس عالی منفصل می شوند. بر طبق ماده بیست و یک قانون استخدام قضات رسیدگی به تقصیرات اداری قضات و صاحبمنصبان پارک بهمه شعبه اول استیناف واگذار شده است و بواسطه تراکم امور در شعبه مزبور و عدم مجال رسیدگی به شکایات در ماده اول لایحه که اخیراً به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده

بود رسیدگی مزبور را به مجلس خاصی مرکب از سه نفر حاکم محاکم یا صاحب‌منصبان پارک‌ه اعم از متصدیان شغل یا منتظرین خدمت محمول نموده اند. لیکن هر گاه شکایاتی از محاکم استیناف و محاکم جنائی بشود معلوم نیست کدام محکمه صلاحیت رسیدگی را دارد. نه در قانون استخدام قضات و نه در لایحه فوق‌الذکر ذکر از این نکته نشده است مگر اینکه عبارت «حکام محاکم با قضات» مذکوره در لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه شامل محاکم استیناف و محاکم جنائی نیز بشود. در قوانین ما مسؤلیت قاضی منحصر به مواردی است که فوقاً مذکور گردید ولی قاضی میتواند در روی دلایل سفسطه و شاید با تطبیق با مواد قانونیه بواسطه سوء تعبیر از روح قانون حکمی صادر و طرف محق را محکوم نماید و یا اینکه از روی خدعه و دسیسه با اتکاء به مواد قانونیه متداعین را ماه‌ها و سالها در دور میز خود سرگردان و در کلیه مسائل با ابراز سوء نیت حقوق افراد را تضییع و موجب خسارت کلی برای آنها بشود تنها وضع قوانین سخت در مسؤلیت شخص قاضی است که میتواند از وقایع سوء جلوگیری و هر گونه بی‌ترتیبی را از بین ببرد.

بطوریکه فوقاً مذکور گردید در قوانین ما برای جلوگیری از سوء نیت و خدعه حکام مواد مخصوصی پیش‌بینی نشده است حال باید دید قوانین اروپا در این قبیل موارد چه مجازاتی را برای قضات معین کرده اند.

قانون اصول محاکمات حقوقی فرانسه « ماده ۵۰۵ تا ۵۱۶ » به افراد حق میدهد در موقعیکه قاضی از اجرای وظایف قانونی قصور و از اقتدارات خود سوء استفاده می‌کند در محاکم جنائی « که در این مورد جنبه حقوقی دارد » دعوائی بر علیه قاضی اقامه کرده او را محکوم به خساراتی نماید که متحمل شده (prise à partie) و این تنها وسیله ایستکه اصحاب دعوا می‌توانند خسارات وارده بخود را جبران نمایند.

مواردیکه ممکن است قاضی را بمحاکمه جلب و دعوای خسارت نمود در قانون صریحاً و محدوداً قید می شود و آنها عبارتند:

اولا - حیله و خدعه «dol» تزویر (fraude) رشوه گیری (concuSSION) (قسمت اول از ماده ۵۰۵) حیله و خدعه و تزویر - وقتی است که قاضی مثلاً جواب یکی از متداعین و یا شهادت شاهد و یا مفهوم سندی را عمداً تحریف و تغییر دهد و یا اینکه بواسطه حبّ و بغض و نفع شخصی طرفی را عمداً محکوم کند و قس علیهذا. در صورت رشوه گرفتن قطع نظر از اینکه اصحاب دعوا می توانند دعوی خسارت بر علیه قاضی اقامه نمایند هرگاه رشوه بیش از سیصد فرانک باشد مطابق ماده (۱۷۴) قانون جزائی فرانسه محکوم است بمجازات حبس در قلاع (reclusion) و هرگاه کمتر از این مبلغ باشد محکوم است به دو سال الی پنج سال حبس. و در هر صورت موافق مدلول ماده ۴۲ قانون جزائی فرانسه از پنج سال الی ده سال از حقوق سیاسی و مدنی ذیل محروم خواهد بود: «حق انتخاب، منتخب شدن، اشتغال بمشاغل هیئت منصفه یا بشغلی از مشاغل دولتی و ملتی، حمل اسلحه، رأی دادن در مسائل فامیلی، قیّم یا ولی شدن، شهادت دادن و مصدق واقع شدن، شهادت در عدلیه مگر اینکه فقط برای صرف اطلاع باشد» بملازم محکوم مجرمه خواهد بود که اکثر آن ربع رشوه مأخوذه و خسارات وارده و اقل آن يك دوازدهم آنها خواهد بود. بقیه دارد

ترك خود بینی

امامی خلخال (۲)

با خلق خدا سخن بشیرینی کن

اظهار نیاز و عجز و مسکینی کن

بر سر دیده جا دهندت مردم

چون مردم دیده ترك خود بینی کن